معرفی کتاب

پیام جاودانه (سخنی چند پیرامون قرآن کریم و آفاق آن)، نوشته محمد رضا حکیمی . قم : دلیل ما ، چاپ اول ، ۱۳۸۲، ۳۸۲ صفحه، وزیری

این کتاب مجموعه گفتارها و مقاله‌هایی از نویسنده است که در موضوع قرآن تدوین وگردآوری شده است.

استاد محمد رضا حکیمی با الهام از آیه ۲۴ سوره محمدﷺ **(اَفَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرآنَ اَمْ عَلیٰ قُلُوبٍ اَقْفالُها)**، عناوین فصول یا گفتارهای بیستگانهٔ کتاب را **«تدبّر»** (تدبر نخست تا تدبر بیستم) نام نهاده است.

مؤلف محترم از دریچه‌ای نو به موضوعات و مسائل مطرح شده در کتاب پرداخته است. و قرآن و پژوهش در قرآن را از دیدگاه معارفی بررسی کرده است.[۱] در تدبر نخست با عنوان «معارف چیست ؟» سخن گفته است. و در تدبّر سوم (شرک به قرآن کریم) مشکلی بزرگ را مطرح کرده است و می‌نویسد : «مشکل این است که رشته‌ای به عنوان **قرآن‌شناسی معارفی**، نه تفسیر قرآن اصطلاحی، در دانشگاهها **که هیچ، در هیچ یک از حوزه‌ها** نیز وجود ندارد. و مدرسان و استادانی نیز برای این رشته به هم نمی‌رسند. چه بسا اکثریت فراوانی از مدعیان فضل و نظر اسلامی، از این رشته واز این موضوع و ابعاد آن، تصوّر درستی نیز نداشته باشند و همین تفسیر گویی و تفسیر نویسی به سبک متعارف را، کمال قرآن شناسی بشمارند، و تفسیرهای متداول و متعارف را، حدّ نصاب قرآن شناسیِ معارفی و معارف شناسیِ قرآن بشناسند.» (ص ۷۶ ـ ۷۷).

تعریفی که مؤلف از قرآن‌شناسی معارفی ارائه می‌دهند، متکی بر شناخت معارف از خودِ قرآن کریم و احادیث نبوی و اوصیایی (ائمهعلیهم‌السلام) است، به طور کاملاً خالص و مستقل از هر

---

۱ ـ نگرش به قرآن و علوم قرآنی از دیدگاه معارفی، دریچه‌ای جدید و نگرشی نو نیست و ریشه در فقاهت شیعی دارد. اما به دلیل اینکه این دیدگاه، پنهان و مغفول مانده، تعبیر «نگرشی نو» بکار برده شده است.

اقتباس و التقاط و امتزاجی که تصور شود، چرا که معارف قرآن و عترت، از هـرگونه شـرک و شریک فکری و فرهنگی بی‌نیاز و مستغنی است.

مؤلف در همین تدبر سوم اشاره می‌کند که معارف در حدّ اعلای ممکن در قرآن کریم آمده است و خداوند متعال برای نزول قرآن منت می‌گذارد، و اگر قرار باشد معارف قرآنی هم‌ردیف و هم ردهٔ اصطلاحات و مفاهیم بشری ـ مثلاً یونانیان یا اسکندرانیان یا هندیان یا گُنوسیان و... ـ باشد نزول معارف قرآنی تکرار است و منّتی نمی‌تواند داشته باشد. (ص ۸۸)

در تدبر چهارم (رأی تراشی در برابر قرآن کریم) نیز تأکید می‌کند که در برابر قرآن کریم از خود رأی نتراشید... قرآن را بفهمید و مورد تدبر قرار دهید اما با کلید خودِ قرآن و با استناد به فرمایش امام صادق علیه السلام: «**اِنَّ اللّه اَنزَلَ فی القرآنِ تبیانَ کُلّ شَیء**» **خداوند در قرآن بیان هر چیز را آورده است.** (بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۸۱) نویسنده، از این حدیث نتیجه می‌گیرد که کلید فهم قرآن نیز در خود قرآن کریم است وگرنه «تبیان کُلّ شَیء» نمی‌بود.این کلید، پرسیدن از اهل ذکر و رجوع به آنان است که قرآن کریم در دوجا به آن فرا خوانده است.[۱] و عقل آزاد نیز آن را تأیید می‌کند و ما اگر جز این راه را بپیماییم به حقایق قرآنی نمی‌رسیم و از شناختهای وحیانی محروم می‌مانیم.

اگر با دیدگاه معارفی به قرآن بنگریم، در آن صورت خلأ تحقیق و پژوهش در بسیاری از مسائل مهم قرآن شناختی ـ که تاکنون توجهی به آنها نشده است ـ به چشم مـی‌خورد. اسـتاد محمد رضا حکیمی به همان روشی که در کتاب «مکتب تفکیک» حدود ۹۰۰ مسئله را مطرح و توجه دانشمندان را به تحقیق در آن مسائل جلب کردند، در تدبر دهم (مسائل قرآن شناختی) ذیل عنوان احیایِ عظیم، در ۱۴ بخش یا موضوع اصلی، حدود ۱۱۰ موضوع و مسئله را مطرح و پیشنهاد می‌نماید که دریچه‌های جدیدی برای تحقیق و تدبر در قرآن کریم می‌باشند.

موضوعات اصلی چهارده گانه ـ که در ذیل هر کدام، چهار تا بیست موضوع فرعی دیگر ذکر شده است ـ عبارتند از :

۱ ـ ماهیت اهتدای قرآن (پنج موضوع)

۲ ـ حکمت راستین و آموزگاران آن (چهار موضوع)

۳ ـ عذر تقصیر به پیشگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام (پنج موضوع)

---

۱ ـ در سوره نحل آیه ۴۳ و سوره انبیاء آیه ۷.

۴ ـ تمدن اسلامی و تمدن قرآنی ـ تفاوت فوق تصور (پنج موضوع)

۵ ـ تهاجم فرهنگی و سابقه آن در اسلام (پنج موضوع)

۶ ـ حرکت سیاسی ترجمه : ۱ ـ در حکومت اموی (ده موضوع)

۷ ـ حرکت سیاسی ترجمه : ۲ ـ در حکومت عباسی (چهار موضوع)

۸ ـ نگاهبانان قرآن (دوازده موضوع)

۹ ـ نقشهای سیاسی و قرآن کریم: ۱ ـ نقش مخالف (چهار موضوع)

۱۰ ـ نقشهای سیاسی و قرآن کریم : ۲ ـ نقش موافق (چهار موضوع)

۱۱ ـ اصول جامعه سازی قرآنی (هشت موضوع)

۱۲ ـ تنفیذ تربیت قرآنی (دوازده موضوع)

۱۳ ـ تأویل (بیست موضوع)

۱۴ ـ قلب انسانی و قرآن (هشت موضوع)

در تدبر بیستم با عنوان «قلب قرآن»، بر مبنای روایات بیان می‌کند که سوره مبارکه **یس** قلب قرآن یعنی حیات و عصارهٔ قرآن است و بر فراگیری سوره مبارکه یس و ژرفیابی انوار و اسرار این سورهٔ بس عظیم تأکید شده است.

دیگر عناوین (تدبّرهای) کتاب، نیز خواندنی است، از جمله:

قرآن کریم، کتابی عین گرا ؛ قرآن کریم و منظومهٔ قرآنی ؛ حروف بسیطه در قرآن کریم (با مباحثی ابتکاری وتازه در مورد حقیقت حروف) ؛ قرآن کریم و تفکر ؛ قرآن کریم در صحیفهٔ سجادیه ؛ قرآن و زندگی ؛ قرآن کریم در نگاه عصر و نسل ؛ قرآن کریم و عدالت.

حمید سلیم گندمی

مقایسه میان اسلوب قرآن و حدیث با علم کلام در طرح عقاید، نوشته نیکو دیالمه، تهران : پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ۲۷۲ صفحه، رقعی

مؤلف در پیشگفتار اشاره می‌کند که یافتن مسیر هدایت، تنها درگرو تمسک به قرآن است که هادی حقیقی و مشرع نظام رب العالمین به اقتضای وجودی انسان، نازل فرموده است. (ص ۱۲).

حضرت رسول اکرمﷺ فرمودند : **«مَنْ طَلَبَ الْهُدی فی غَیرِهِ اَضَلَّهُ اللّه» هر کسی از غیر قرآن طلب هدایت کند، خداوند او را گمراه خواهد ساخت.** (بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۱.)

از طرف دیگر فهم بخش مهمی از قرآن با تمسک به کلام معصومان علیهم السلام امکان‌پذیر است. امام علی علیه السلام خطاب به کمیل فرمودند :

یا کمیلُ لا تأخُذْ اِلاّ عَنّا تَکُنْ مِنّا(وسایل الشیعة، ج ۱۸ ، ص ۱۶.)

آنچه که در این کتاب بر آن تأکید شده است، روش بیان عقاید در قرآن و کلام معصومین علیهم السلام در موضوع مبدأ و معاد است که روش‌شناسی (متدلوژی) خاص قرآن کریم واهل بیت علیهم السلام با روش متکلمان در طرح بحث مبدأ، وجود خدا وحدانیت الهی و بحث معاد و ضرورت آن مقایسه و بررسی شده است.

مؤلف محترم تأکید می‌کند که در بیان این بررسی، « صرفاً به دنبال بیان شیوه‌های اثبات و دعوت به موضوع مبدأ و معاد است و به هیچ وجه به دنبال ذکر و اثبات این مطلب نیست که قرآن و حدیث مردم را به امری دعوت می‌کنند و متکلمان به امری دیگر.»(ص ۱۴) اما اگر تأثیر روش و اسلوب طرح مسائل را بپذیریم به ناچار باید قبول کنیم که نتیجه حاصله از طریق روش متکلمان دعوت و اثبات مبدأ و معاد با طریق روش قرآن و ا هل بیت علیهم السلام ـ به دلیل تفاوت در شیوهٔ و روش ـ الزاماً یکسان نخواهد بود. در شیوهٔ متکلّمان، اِسکات خصم و اثبات استدلالی مورد نظر است. امّا در روش پیامبران و امامان (روش قرآن و حدیث)، عقاید حقّه در دل و جان انسان می‌نشیند، چرا که آن حجّت‌های الهی با فطرت انسان سخن می‌گویند و درونِ آنها را مخاطب خود می‌دانند. از این رو، سخن آنان در قلب و جان، و هم در عمل انسان، اثر می‌گذارد و آن‌ها را تغییر می‌دهد.

مطالب این کتاب در قالب سه بخش ارائه شده است :

بخش ۱. پژوهشی در علم کلام است. در این بخش وجه تسمیه موضوع، تعریف، هدف، و روش کلام، ارتباط آن با سایر علوم و تاریخ علم کلام با اشاره به دو فرقه معتزله و اشاعره بررسی شده است.

در **بخش ۲ .** مقایسه میان اسلوب قرآن و حدیث با علم کلام در بحث مبدأ در ضمن سه فصل بررسی شده است: در فصل اول روش متکلمان، در فصل دوم روش قرآن کریم و در فصل سوم

روش معصومین علیهم‌السلام مطرح و گفتگو شده است.

در **بخش ۳.** در ضمن چهار فصل، اسلوب قرآن و حدیث با علم کلام در بحث معاد بررسی شده است در پایان کتاب ذیل عنوان «نتیجه کلی» به استنتاج کلی از مباحث مطرح شده پرداخته است.

حمید سلیم گندمی